

## مجلس نهم نباید به وکیل الدوله‌ها میدان بدهد

محمد تقی

انتخابات مجلس نهم با مشارکت بالای مردمی برگزار شد. آرای مردم در این انتخابات با وجود غیبت اصلاح‌طلبان، متفاوت از پیش بود، به گونه‌ای که دو سوم از نمایندگان مجلس هشتم به مجلس نهم راه نیافتند. در مجلس جدید تعداد قابل توجهی از حامیان دولت حضور دارند و رقابت دو گروه جبهه پایداری و جبهه متحد نیز برنده‌ی مشخصی نداشته است.

انتظار ما از این نمایندگان جدید چیست؟ و به عبارت بهتر بایدها و نبایدهای مجلس نهم کدام است؟ مجلس نهم نباید صحنه‌ی درگیری‌های سیاسی بین حامیان دولت و دیگر اصولگرایان شود و یا رقابت جبهه‌های خلق‌الساعه‌ی انتخاباتی مانند جبهه‌ی پایداری انقلاب اسلامی و جبهه‌ی متحد اصولگرایان نباید در قالب بازی‌های سیاسی و لابی‌های سطح پایین در داخل مجلس ادامه پیدا کند. مجلس باید بر محور خدمت به مردم منسجم باشد.

مجلس نهم نباید در برابر لابی‌های قدرتمندی که در مجالس پیشین شکل گرفته است با تساهل و تسامح رفتار کند و در عمل مطیع آن‌ها شود. لابی‌های قدرتمند افرادی چون علی لاریجانی و محسن رضایی شایسته نیست که تداوم پیدا کنند؛ کما این که باید جلوی تشکیل لابی افرادی چون محمدباقر قالیباف هم ایستاد. مجلس باید عصاره‌ی ملت باشد، نه عصاره مقامات سیاسی.

مجلس نهم نباید در برابر کانون‌های قدرت و ثروت مطیع و ترسان باشد. مجلس باید شجاعانه بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین نهادهای نظام را زیر ذره‌بین قرار دهد و با مفاسد اقتصادی و سیاسی و پیوندهای فاسد قدرت و ثروت که در این نهادها به وجود آمده است، مقابله‌ی قانونی کند. مجلس نباید از نظارت بر دانشگاه آزاد بترسد. مجلس

نمایندگان واقعی مردم یعنی وکیل‌المه‌ها حاضرند برای تحقق اراده‌ی ملت در برابر این کانون‌ها بایستند.

مجلس نهم نباید اجازه دهد که استوانه‌های جدیدی به نظام اضافه شود. مجلس نهم نباید اجازه دهد که مانند مجلس هشتم بتی از رئیس مجلس ساخته شود که هزینه‌ی انتشار یک بیانیه‌ی انتقادی ساده از وی، فیلتر شدن سایت‌هایی باشد که از ارزشی و انقلابی‌ترین پایگاه‌های خبری- تحلیلی‌اند. مجلس نهم نباید اجازه دهد که به خاطر عدم رنجش خاطر اشراف سیاسی جاخوش کرده در مجلس، نیروهای عدالت‌خواه و آرمان‌گرا مطرود و محکوم شوند.

مجلس نهم نباید اجازه دهد که تمام مسائل کشور خلاصه شود در سیاست و سیاست خلاصه شود در بررسی مواضع افراد در قبال فتنه. مجلس نهم باید به طور اصولی و اسلامی و عدالت‌خواهانه مسائل اقتصادی و اجتماعی را به بحث بگذارد و برای اصلاح امور قانون‌گذاری و نظارت کند. مجلس باید فرهنگ را به عنوان زیربنای سیاست بشناسد و بستر لازم برای شکوفایی آن را با زدودن قوانین تنگ‌نظرانه و تصویب قوانین هدایت‌گرانه فراهم کند. مجلس باید بفهمد که فتنه آزمونی بود که گذشت و بازخوانی آن را به روزنامه‌نگاران و مورخین بسپارد.

مجلس نهم نباید فهمی سلطانی یا فهمی فاشیستی از ولایت فقیه را رسمیت بخشد؛ کما این که نباید ظاهری چاپلوس و باطنی متمرد در برابر ولی‌فقیه داشته باشد. مجلس نماینده‌ی ملت است و باید به نمایندگی از ملت به رهبری برای زدودن فساد و فقر رنج‌های محرومین باشد. مجلس نهم نباید برای مقامات «حقوق مادام‌العمر» تصویب کند تا در صورت تغییر شغل حقوق‌شان کاهش نیاید. مجلس باید نماینده‌ی مردم باشد و اگر به عدالت معتقد است باید همتش و توجه‌اش به طبقات محروم باشد و نه به خود نمایندگان و مسئولین.

مجلس نهم نباید به وکیل‌الدوله‌ها میدان بدهد. وکیل‌الدوله‌ها آن‌هایی هستند که منافع قدرتمندان حاکم را به مطالبات ملت ترجیح می‌دهند. وکیل‌الدوله‌ها ابایی از ایستادن در برابر نماینده‌ی ۲۴ میلیون ایرانی و تخریب او و سنگ‌اندازی در راهش ندارند، اگر مورد پسند کانون‌های قدرت و ثروت باشد. وکیل‌الدوله‌ها حاضرند به بیت‌المال چوب حراج بزنند، اگر مطلوب بزرگان باشد (وقف اموال دانشگاه آزاد). وکیل‌الدوله‌ها نماینده‌ی کانون‌های قدرت و ثروت و در یک کلمه طبقه‌ی حاکم هستند، حال آن که



## پاسخ‌هایی از جنس سؤال

نگاهی به آیین سؤال از رئیس‌جمهور، از تصویب تا اجرا

جمال کزازی

انتخابات آتی:

طرح سؤال از رییس‌جمهور پس از چند ماه حرف و حدیث بالأخره در روزهای انتهایی سال ۹۰ اجرا شد. اگرچه پیگیران این قضیه از سال ۸۶ خواستار آن بودند، اما این اولین باری بود که در تاریخ انقلاب اسلامی چنین مراسمی انجام می‌شد. هرچند حضور رئیس‌جمهور در مجلس و پاسخ به نمایندگان، حواشی دیگری را هم به سؤالات نمایندگان اضافه کرد؛ اما صورت گرفتن چنین جلسه‌ی نکات مثبت و منفی قابل ملاحظه‌ای داشت که به زعم برخی، آن را به نقطه‌ی عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی تبدیل کرد و یا به قول لاریجانی، حتی در تاریخ اسلام سابقه نداشت! در ادامه، چند نمونه از این نکات را به اختصار مورد اشاره قرار می‌دهیم:

### ۱. شکسته شدن تابوی نقد قدرت در نظام جمهوری اسلامی:

اثر مثبت این کار نمایندگان در فضای سیاسی کشور این است که از قدرت در نظام اسلامی تقدس‌زدایی شد. شکی نیست که وقتی هر انسانی قدرتی، حتی خیلی کم، در دستش قرار می‌گیرد، با نبود هرگونه انتقاد به بهانه‌ی تلاش برای براندازی یا تشویش اذهان عمومی و به مدد چاپلوسان و متملقان، نسبت به روش‌ها و معیارهای انجام وظیفه‌ی خود حس رادیکال‌گونه‌ای می‌گیرد که منجر می‌شود از هرگونه تلاش برای بهبود اوضاع و شرایط فعلی پرهیز نماید. چنین امری با توجه به شرایط انقلاب اسلامی و تلاش روزافزون دشمنان داخلی و خارجی، موجب وخیم‌تر شدن اوضاع می‌شود. پس طرح سؤال از رئیس‌جمهور به عنوان شخص اول اجرایی کشور، خود بیانگر غنای دموکراسی در ایران و تلنگری به مسئولین است که طرز اداره و وضع کنونی کشور «گل و بلبل» نیست! البته در این بین یک بار دیگر به سیاه‌نماهای به اصطلاح روشن‌فکر و اسلام‌گریزان غریبه‌ای که سنگ دموکراسی و حقوق بشر ایران را به سینه می‌زدند، نشان داده شد که تحلیل‌هایشان به درد همان سایت‌های بی‌محتوا و شبکه‌های متروکه‌ی شان هم نمی‌خورد!

۲. تحلیل موضع گیری‌های اخیر، رهگشای



ارگان بسیج دانشجویی دانشکده‌ی فنی

شماره‌ی ۵۷

۲۲ فروردین‌ماه ۱۳۹۱

یک اثری که این انتخابات داشت - و انتخابات‌ها غالباً این اثر را دارد - مسئله‌ی توهم‌زدائی است. انتخابات مثل یک سیلی بیدارکننده و هشیارکننده است به کسانی که در توهمات خودشان غوطه می‌خورند و خیال‌پردازی می‌کنند؛ راجع به آینده‌ی نظام، راجع به اصل نظام، راجع به مردم، راجع به کشور، راجع به دشمن توهماتی در ذهن دارند، تخیلاتی دارند، غرق در این توهمات هستند. انتخابات، این‌ها را از این توهمات خارج می‌کند؛ حقیقت را جلوی این‌ها می‌گذارد.

ما دو روز پیش از این شنیدیم که رئیس‌جمهور آمریکا گفته است ما به جنگ با ایران فکر نمی‌کنیم. خیلی خوب؛ این خوب است، این حرف عاقلانه‌ای است، این خروج از توهم است. در کنارش گفته است که ما با تحریم، مردم ایران را به زانو درمی‌آوریم -نقل به مضمون- این توهم است. آن خروج از توهم در آن بخش اول خوب است، باقی ماندن در توهم در این بخش دوم به آن‌ها ضربه خواهد زد. وقتی محاسبات انسان بر مبنای توهم بود، بر مبنای واقعیت‌ها نبود، پیداست که در برنامه‌ریزی‌ای که بر اساس این محاسبات انجام می‌دهد، شکست خواهد خورد؛ و این، همین است. خب، الان یک سال است که به قول خودشان تحریم‌های فلج‌کننده و چه و چه اعمال می‌کنند -البته تحریم ما سی‌وسه سال است- گفتند هم که هدف، جدا کردن مردم از نظام اسلامی است؛ اما دیدند که مردم آمدند آن جا، به نظام اسلامی رأی دادند.



دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، ۱۸ اسفندماه ۱۳۹۰

مدیرمسئول: احسان ابراهیمی

زیر نظر شورای سردبیری

email: nabz.fanni@gmail.com

weblog: nabzbddf.parsiblog.com

پيامک: ۰۹۱۲۴۷۵۴۴۸۹

شد که عده‌ای از امضاکنندگان طرح، چند روز پس از تصویب، از نمایندگان بخواهند که برای حفظ منافع ایران اسلامی طرح سؤال از رئیس دولت را به جلسه‌ای غیر رسمی محول کنند، که البته رأی نیاورد. توجه به این مسائل و تحلیل چنین موضع‌گیری‌هایی، می‌تواند در تصمیم‌گیری در انتخابات آتی رهگشا باشد.

۳. **عباس پور: «احمدی نژاد در آزمون امروز صفر گرفت.»**

دکتر محمود احمدی نژاد علی‌رغم تلاش برای برگزار نشدن این جلسه در نزدیکی ایام عید، به جهت تلخ مزاج نشدن مردم در ایام سرور، در مجلس حاضر شد؛ اما صحبت‌هایش، طبق نظر بسیاری از نمایندگان، قانع‌کننده

که نبود هیچ، بلکه عده‌ای از آنان لحن صحبت و الفبای سیاسی رئیس دولت را در آن جلسه توهین به مجلس و نمایندگان دانستند.

جدی گرفته نشدن جلسه و پاسخ‌های احمدی نژاد باعث شد تا برخی از نمایندگان پس از اتمام صحبت‌های رئیس جمهور، به دکتر لاریجانی تذکر دهند که چرا در مقابل صحبت‌های دکتر احمدی نژاد از حقوق نمایندگان و مجلس دفاع نکرده است. این در حالی است که سایت یاهو در پایان نقل این خبر، احتمال برقراری طرح رأی عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور را بالا دانست! در چنین شرایطی، اخیراً هفت نفر از نمایندگان در بیانیه‌ای پاسخی را بر پاسخ‌های رئیس جمهور منتشر کرده‌اند. حال باید ببینیم که دولت‌مردان برای پایان دادن به این اعتراضات چه خواهند کرد.

۴. **تا آیین نامه اجرا نشود، عیبش نهفته ماند.**

پس از این جلسه بود که نمایندگان متوجه شدند

که آیین‌نامه‌ی طرح سؤال از رئیس جمهور در برخی از موارد مانند تقسیم وقت و قانع شدن نمایندگان ناقص و نیازمند اصلاح است. به گفته‌ی توکلی، عصبانیت و اعتراض‌های مکرر نمایندگان پس از خروج آقای احمدی‌نژاد در مجلس هم به نوعی دیگر نشان داد که حق با مخالفان آیین‌نامه‌ی طرح سوال از رئیس‌جمهور بود؛ چرا که طبق آیین‌نامه، پس از پاسخ رئیس‌جمهور، نمایندگان قانوناً هیچ سلاحی جز اعتراض و تذکر به رییس مجلس نداشتند و حتی نمی‌توانستند درباره‌ی پاسخ‌های ایشان رای‌گیری کنند یا حداقل پرونده‌ی آن را به کمیسیونی برای رسیدگی بفرستند. در چنین شرایطی، نماینده‌ی مردم شهرضا

این وعده را به مردم داد تا پس از تعطیلات و در اولین فرصت، اصلاح آیین‌نامه را پیگیری نماید!

۵. **از ماست که بر ماست.**

مسئله‌ای که باقی ماند اینست که جلسه برای دکتر احمدی نژاد به شوخی و مزاح گذشت؛ چرا؟ آیا احمدی نژاد همیشه این‌طور است؟ واقعیت آنست که که اگر لحن دکتر احمدی نژاد بهتر از این بود، کسی بدش نمی‌آمد! به ویژه آن‌که چنین طرز صحبتی بین مجلس و دولت از وجهه‌ی بین‌المللی مناسبی برخوردار نیست. اما به نظر می‌رسد که چون مدت مدیدی بود که

نمایندگان پی طرح سؤال بودند و بالاخره به این مهم دست یافتند، ظاهراً سعی کرده بودند تمام سؤالات خود را پیرامون کارنامه‌ی شش ساله‌ی دکتر در پرسشنامه

بگنجانند! شاید همین موضوع باعث شد تا طرح سؤالاتی کم‌اهمیت و عجیب مثل چگونگی جبهه‌گیری فرهنگی در یک برنامه‌ی خاص یا لحن متن یک نامه، در شرایطی که مشکلات جدیدتر و مهم‌تری در جامعه از قبیل گرانی، ارز و یا روابط بین‌المللی مطرح است، سناریوی طرح سوال و انگیزه‌های طراحان را زیر سوال برد. به راستی سوالات مطرح شده توسط نمایندگان ملت، کجای دغدغه‌ها و دل مشغولی‌های ملت قرار می‌گیرد؟ واقعا مردم گرفتار مشکلات زندگی‌اند یا پیدا کردن تعداد موارد استفاده‌ی یک واژه در سخنرانی‌ها؟ آیا نه این است که در زیر شمله‌های داغ آن روز مجلس، فقط خاکستر پاشیده شده بر روی مشکلات اصلی مردم قرار داشت؟

باید گفت طرح چنین پرسش‌های بی‌ربط که بیش‌تر به یک انتقام‌گیری کینه‌توزانه و عقده‌گشایی بچه‌گانه در یک جنجال رسانه‌ای شبیه بود تا پیگیری دغدغه‌های مردم، خیلی زودتر از آن که احمدی نژاد پشت تریبون برود طراحان سوال

را به تمسخر کشیده بود!

شاید هم به قول صادق زیباکلام، پایین آمدن جایگاه مجلس و لحن و الفبای نامناسب رئیس‌جمهور در آن جلسه، معلول رفتار و منش نابه‌هنجار برخی از نمایندگان است که برای این‌که جایگاهشان به خطر نیفتد و بعدها رد صلاحیت (!) نشوند، بی‌جهت از دولت حمایت می‌کنند؛ همچنین مجلس در برخی از مواقع حساس، موضع‌گیری‌های مناسبی نداشته است و چنان‌چه مجلسیان کمی

مستقل‌تر (!) از دولت عمل می‌کردند، رئیس‌جمهور هیچ‌گاه نمی‌توانست با چنین لحنی در مجلس حاضر شود.

#### مجلس چهارم

انتخابات مجلس چهارم در فروردین سال ۷۱ انجام پذیرفت که با مشارکت ۵۸ درصدی مردم همراه بود؛ جامعه‌ی روحانیت مبارز پیروز این انتخابات شد و ناطق نوری به ریاست مجلس برگزیده شد.

در باب زمینه‌های پیروزی جامعه‌ی روحانیت می‌توان به مواردی از جمله رد صلاحیت گسترده‌ی نمایندگان مجمع روحانیون پرداخت که کروبی و خوئینی‌ها به آن اعتراضاتی داشتند. دلیل دیگر، ژست میانه‌رویی است که جریان راست به خود گرفت و به نقد دولت‌های قبل و جریان چپ حاکم بر مجلس پرداخت و در واقع آنان را رادیکال و انعطاف‌ناپذیر در مقابل اتخاذ تصمیم‌های عقلانی خواند که البته با توجه به اتمام جنگ و نیاز کشور به بازسازی و هم‌چنین وضع نامناسب اقتصادی که به سیاست‌های دولت موسوی نسبت داده می‌شد، باعث شد تا جناح چپ با اقبال مردمی روبرو نشود.

# بے مسئلگے یابے هنری قلاده‌ای برگردنِ کارگردان!

#### شبه نقدی بر یک اثر غیر هنری

#### میںمیں ڈھنڑائی

سر بی مسلگی.

اما چرا «قلاده های طلا» فیلمی است ضد هنر و بی مسئله؟ چرا سینمایِ سفارشی، سینمایی است بی مسئله و بی درد. اعتقادم بر این است که اول گام برای آفرینش، بروز مسئله است. درست هنگامی که هنرمند مسئله از درون اش بجوشد، به محاکاتِ هنری میپردازد و در پس این مرحله شناخت اجزایِ مسئله و آنگاه آفرینش دنیایی دیگر است برای حل مسئله. مسئله ای که از دنیایِ واقع به عنوان ابژه در دنیایِ مخلوق کارگردان تبدیل به سوژه میشود و با من مخاطب شروع به سخن میکند.
آسینمایِ سفارشی از آن رو بی مسئله است که مسئله یِ آن در جایی به جز کارگردان، شکل گرفته است و از همین رو کارگردان با آن همدرد نیست و وقتی هم درد نباشد، در ابراز درست و صحیح آن و حتی در حل آن، بی غیرت میشود. به هر چیزی تن میدهد و دستِ آخر یک فاجعه به بار می آید. درست مثل مادری که فرزندش اصلاً برای او مهم نباشد و این یعنی فرآیندِ ارگانیک میان هنرمند وائر هنری، مختل شده است. یعنی اختلال در چرخه حیاتِ هنری…

سیلِ عظیمِ اطلاعاتِ موجود در «قلاده های طلا» هم که به نام قصه به مخاطب خورانده میشود، اگر چه دیدنِ «قلاده های طلا» را کمی سودمند میکند، اما به مثال جزئیاتی است که هیچ گاه در اختیارِ کلی

قرار نمیگیرند، ابتر باقی میماند. البته باید حق هم داد؛ وقتی هیچ عنصری از درون نتراود، شما مجبور به دست آویزی هستی تا زنده بمانی. درست مثل غریقی که شنا بلد نیست و دست به نیزار میاندازد تا غرق نشود! حال آنکه اول شرط به آب پریدن، شناگری است و الا چه تفاوتی میان باقی آدمیان است اگر قرار بر



دست آویزی باشد؟!<sup>۲</sup> و همین بی مسئلهگی منجر به هنری میشود. چرا که هنر زاده ی مسئله است و بس. سینمایِ سفارشی، اگر از وجه تکنیک هم به اوج برسد، کماکان عین بی هنری است و الا کار کردن با این ادوات سینمایی و طراحی میزانشن و دکوپاژِ نور و صدا، بدون پرداخت در حقیقتِ امر، پوچ و بی فایده است.

«قلاده های طلا»، کتابِ خوبی میشد باشد؛ کتابی که شاید در دست بالاترین احتمالات، سالانه دو الی سه هزار نسخه بفروشد، آنهم با هزاران رانت و حمایت هایِ جانبیِ دولتی و غیر دولتی. و اصلاً در آن صورت میشد نادیده گرفت این غبنِ عظیمِ تبلیغاتِ خیابانی و مطبوعاتی و غیر مطبوعاتی و این بیت المالِ عظیم اسرافِی را به پای این فاجعه. میشد به مسئولان وزارت اطلاعات و اطلاعاتِ سپاه که تمام زورشان را زدند تا روایت کنند یک پلیس بازی و بعد : بنگ! بنگ! تبریک گفت. میشد نظامی کردنِ مدیریتِ فرهنگی را هم فاجعه نخواند! میشد بی هنری و بی مسئلهگی آقای کارگردان را هم که در لالوی این حجم عظیم از اطلاعاتِ موجود در فیلم، نادیده گرفت. میشد زور زدن برای حرف زدن را هم نادیده گرفت. میشد این طرحِ مسئله یِ غلط را هم نادیده گرفت؛ و اصلاً باید رها کرد این حرفها. آنچه که پدیدار است اکرانِ این فیلم روی اغلبِ پرده هایِ سینمایِ این آب و خاک است.

**پی‌نوشت‌ها:**

۱) کلیانی در باب هنر دینی- بهمن شریف زاده

۲)ادبیات چیست؟ - ژان پل سارتر

۳) گفته ای بر اساسِ کئارسیسِ ارسطویی

# قلاده‌ها!

**بر گردن چه کسی سنگینی می‌کند!؟**

**سپید صفا** **بر مراهی**

سپید صفا در جشن عروسی

سپید صفا در جشن عروسی

سپید صفا در جشن عروسی

سپید صفا در جشن عروسی

سپید صفا در جشن عروسی

سپید صفا در جشن عروسی

سپید صفا در جشن عروسی

این چندمین نرورز متوالی است که فضای سیاسی نه چندان آرام مملکت، از پیّت دره‌پیّت پرده‌ی سینما نفتی شده و شعلهور می‌شود. داستان جدایی اخراجی‌ها از طیف اپوزیسیون و اتصال جدایی به سیاست ضد حاکمیتی اگرچه همه و همه ریشه در تبلیغات بوق‌های داخلی و خارجی داشت ولی، تا آنجا که حافظه‌ی نگارنده یاری می‌نماید، بعد از مدت‌ها اولین فیلم‌هایی بودند که فرصت اکران عمومی پیدا کرده و قدرت ایجاد موج در فضای سیاسی کشور را داشته‌اند. همین مقدمه‌ی کوتاه برای نوشتن چند خطی در مورد ساختار شکنی‌های فیلم جنجال آفرین نوروز ۹۱، یعنی قلاده‌های طلا کفایت خواهد کرد.

در زمانه‌ای که فیلمفارسی‌ها بر روی پرده‌ی سینما بی هیچ مخاطبی جولان می‌دهند و کارگردان‌ها تمام اعتبارشان از قیافه‌ی آرایش کرده‌ی سوپر«ستاره»ها و سوپر«استار»های تکراری است، در روزگاری که «گیشه» تمام «دغدغه» تمامی دست اندرکاران یک «اثر هنری» را مشخص می‌کند تا «سفارشی» بودن نیاز به باز تعریف داشته باشد، تولید و نمایش فیلم‌هایی همچون «سیزده پنجاه و نه»، «پنجا بدون من»، «چیزهایی هست که نمی‌دانی» و… نشانه‌های خوبی از تولد دوباره‌ی هنر هفتم ایرانی دارد!

اما حرف زدن در مورد قلاده‌های طلا نیاز به نگرش دیگری دارد، نیاز به زاویه‌ای تازه. مرور سریع فیلم این‌گونه می‌شود: با نقشه‌ی بیگانگانی که در طول فیلم انگلیسی بودنشان پررنگ‌تر می‌شود، انتخابات دهم ریاست جمهوری به چالش کشیده می‌شود. داستان از ترور نافرجام سیدمحمدخاتمی آغاز گردیده و با ورود مهره‌ی کلیدی غرب برای آشوب در ایران ادامه می‌یابد. مخاطب، مردمانی را می‌بیند که همچون خواهر و برادر در کنار هم نظراتشان را بدون هیچ تنش و برخوردی ابراز می‌کنند. سپس با شخصیت‌های اطلاعاتی و انتظامی فیلم آشنا می‌گردد و در جریان فیلمنامه اتفاقاتی را مرور می‌کند که نشان می‌دهد تا نفوذی‌های غرب تا عمق دستگاه‌های اطلاعاتی ایران هم پیشروی

داشته‌اند. در انتها مهره‌ها شناسایی شده و تنش ظاهرا به اتمام می‌رسد، حال آن‌که در انتهای فیلم مهره‌ی کلیدی بر روی ولیچر از کشور خارج و مهره‌های جدید وارد می‌شوند تا فکر این‌که «خرابکاری اجانب همچنان ادامه دارد» در ذهن بیننده تداعی گردد.

حالا وقت آن رسیده است این سوال را بپرسیم که واقعا چرا قلاده‌های طلا نقطه‌ی عطف سینمای ایران می‌تواند باشد؟ و کجای این فیلم مستندگونه «هنری» است که بتوان آن را با چارچوب نقد هنری آموذ؟ و سولاتی از این دست که پاسخشان را با نگاهی کوتاه به تاریخچه‌ی اکران‌ها می‌توان یافت. آیا سینمای بعد از انقلاب، سینمایی که سوژه‌ی مواد مخدرِ بعد از

جنگش سال‌ها جمشید هاشم‌پور

را محبوب قلب‌ها نگه‌داشت، سینمای بعد از دوران سازندگی که نیروی انتظامی را در حد «گیردادن» به جوان‌هایی که کاری نکرده بودند!!! پایین آورد و بعد از اصلاحات از تمام نیروی انتظامی فقط «گشت ارشاد»ش را دید، حالا چه شده است که رسما فریاد می‌کشد که نیروی انتظامی نفوذی دارد؟

سینمایی که تا دیروز از صد فرسخی فیلمنامه‌هایی با سوژه‌ی اطلاعاتی عبور می‌کرد حالا چطور شده است که نه تنها موضوعی صددرصد امنیتی را مورد بررسی قرار می‌دهد بلکه به صراحت نشان

می‌دهد که یکی از معاونین سازمان اطلاعات و امنیت کشورمان مزدور و هماهنگ کننده‌ی عوامل بیگانگان در داخل است؟ اکنون چه اتفاقی افتاده است که «نگاه نظامی حاکم بر فضای فرهنگی» نتوانست ماجرای «به رنگ ارغوان» و «گزارش یک جشن» یکی از کارگردانان متعهد و انقلابی را تکرار کند؟ آیا حاکمیت تغییر کرده



تغییر سیاسی درون کشور، فضای عمومی مجلس را به سمت سیاست‌های باز اقتصادی، استقراض خارجی، تنش‌زدایی و دفاع حداکثری از دولت سازندگی برد. سنت سیئه‌ی دولتی شدن مجلس و حضور حامیان شدید دولت که از مجلس سوم جدی شده بود، در این مجلس تداوم یافت.

در این دوره، جناح چپ کم‌کم تغییر گفتمان داد و به ایفای نقش راست در زمان امام(ره) پرداخت.

**مجلس پنجم**

در این دوره گروهی از اطرافیان هاشمی رفسنجانی که در دولت وی حضور داشتند، با نام «کارگزاران سازندگی» از جناح راست منشعب شدند که به راست مدرن شهرت یافتند. مجمع روحانیون اعلام کرد که در اعتراض به رد صلاحیت‌ها در انتخابات شرکت نمی‌کند. انتخابات در اسفند ۷۴ برگزار شد که با مشارکت ۷۱ درصدی مردم همراه بود و کارگزاران اکثریت مجلس را در اختیار گرفتند. پس از آن‌ها هم راست‌های سنتی به کرسی‌های مجلس راه یافتند که بار دیگر ناطق نوری را به ریاست مجلس برگزیدند.

با اتمام دوره‌ی ریاست جمهوری هاشمی، جناح راست با ناطق نوری بار دیگر وارد صحنه شد و جناح چپ هم با خاتمی (البته با ظاهری مستقل)، که با پیروزی قاطع خاتمی و بازگشت دوباره‌ی جناح چپ به عرصه‌ی قدرت سیاسی کشور همراه بود.

دولتی شدن مجلس و تغییر هرم نمایندگان به سمت طبقات بالا، دفاع از سیاست‌های دولتی، تقدم توسعه بر عدالت و دور شدن از مردم از ویژگی‌های این مجلس بود.

حوادثی مانند کوی دانشگاه، قتل‌های زنجیره‌ای، دستگیری شهردار تهران به جرم سوء استفاده از مقام دولتی و اصلاح قانون مطبوعات، استیضاح عبدا… نوری وزیر کشور اصلاحات و تشکیل جبهه‌ی مشارکت مربوط به دوران مجلس پنجم هستند.

**مجلس ششم**

این انتخابات در بهمن ۷۸ برگزار شد که ۶۷ درصد واجدین شرایط در آن شرکت کردند و جبهه‌ی دوم خرداد توانست در اکثریت حوزه‌های انتخابی پیروز شود و ریاست مجلس هم به مهدی کرویی سپرده شد.

در نتایج این انتخابات، شائبه‌ی تخلف و تقلب مطرح شد و انتخابات شهرهایی مانند تهران با تأخیر بسیار زیاد تأیید شد. در این دوره، هاشمی با آرای بسیار پایین و به عنوان نفر سیم وارد مجلس شد که البته استعفا داد.

تصویب مزایای بالا برای نمایندگان مجلس ششم و پرشیا دادن به آن‌ها از همان ابتدا مجلس را خبرساز کرد.

نقد شدید گذشته‌ی انقلاب، فشار به رهبری در بحث هسته‌ای، اصرار بر مذاکره با آمریکا و نامه‌ی معروف به پذیرش جام زهر در سال ۲۰۰۳، فضای اصلی حاکم بر مجلس ششم را شکل داده بود که با اعتراض شدید

جناح راست به خاطر «عبور از خط قرمزها» و اعتراض نیروهای حزب‌اللهی همراه بود.

از دیگر فعالیت‌های مجلس ششمی‌ها، طرح اصلاحیه‌ی قانون مطبوعات با محوریت کاهش و حذف نظارت، لوائح دو قلوی افزایش اختیارات رئیس جمهور و سيطرةی وی بر سایر قوا و لایحه‌ی الحاق ایران به کنوانسیون محو کلیه‌ی اشکال تبعیض علیه زنان بود.

سکانس پایانی نمایش‌نامه‌ی مجلس ششم، هنرنامهی ۱۳۹ نفر از نمایندگان بود که در اعتراض به شورای نگهبان در رد صلاحیت‌های انتخابات مجلس هفتم، در صحن مجلس تحصن کرده و بعد از مدتی استعفای دسته جمعی دادند که البته فقط استعفای ۵ نفر از آنان در دستور کار قرار گرفت! لازم به ذکر است که بر خلاف میل آنان انتخابات مجلس هفتم در وقت مقرر خود برگزار شد.

**مجلس هفتم**

این انتخابات در اسفند سال ۸۲ و متأثر از تحصن عده‌ای از نمایندگان مجلس ششم در اواخر آن انجام شد. در این دوره طیف راست سنتی، مجمع روحانیت و جامعه‌ی اسلامی مهندسان حضور داشتند. کارگزاران، مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اعلام کردند که در انتخابات شرکت نمی‌کنند؛ اما ائتلافی به نام «ائتلاف برای ایران» به رهبری خاتمی وارد عرصه‌ی انتخابات شد. دراین میان، اصول گرایان جدیدتری هم با نام «آبادگران» که متشکل از چهره‌های غیر تابلودار نسل دوم که سوابق دانشگاهی و دفاع مقدس داشتند به سرلیستی چهره‌های محبوبی مانند مهندس چمران در انتخابات شرکت کردند.

انتخابات با مشارکت ۵۱ درصدی مردم انجام پذیرفت و با پیروزی جناح راست و عموما آبادگران همراه بود و اصلاح طلبان مجلس ششم به اقلیتی در مجلس هفتم تبدیل شدند. ریاست مجلس هم به حداد عادل سپرده شد.

در سال اول، قوانین مردمی پیگیری شد؛ ابتدا ۱۱۲ ایراد لایحه‌ی پنجم توسعه که توسط مجلس ششم به سرعت تدوین شده بود اصلاح شد و در ادامه طرح سهمیه‌بندی بنزین در بودجه‌ی سال ۸۶، استیضاح وزیر کار دولت اصلاحات، طرح ساماندهی مد و لباس، قانون خدمات کشوری و … در این مجلس انجام شد. اما شروع خوب سال‌های اول به عادی شدن آن در سال‌های بعدی انجامید.

بی تفاوتی نسبت به تحصن ۱۴روزه‌ی دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان در زیر باران در مقابل مجلس شورای اسلامی و موارد عجیبی مانند قیام و قعود ۱۰۰ – ۱۴۰ نفر از نمایندگان مجلس همراه با باهنر، گرفتن مزایایی مثل پرشیا مانند مجلس ششم و جدی نگرفتن طرح نظارت نمایندگان بر خود هم مربوط به همین مجلس است.

قبیل از انتخاب احمدی نژاد، این مجلس در تنازع جدی با دولت خاتمی قرار داشت، اما نظارت جدی بر دولت نهم انجام نداد.

یکی از اتفاقات مهم این دوره تشکیل فراکسیون اصولگرایان مستقل بود که به سردمداری عماد افروغ صورت پذیرفت. افروغ قبل از انتخاب احمدی نژاد به حمایت از او پرداخت، ولی بعدها به دلیل انتقادات به دولت از فراکسیون اصولگرایان جدا شد و فراکسیون اصولگرایان مستقل را به راه انداخت.

تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای و از سرگیری آن در دولت خاتمی هم در این مجلس به وقوع پیوست.

**مجلس هشتم**

در این دوره و در حالی که اصلاح‌طلبان در مقابل دولت، مجلس و حکومت به انسجام رسیده بودند و ۴ نفر از آنان به شورای شهر چهارم هم راه پیدا کرده بودند، اصولگرایان اقدام به تأسیس شورای هماهنگی اصولگرایان موسوم به ۵+۶ کردند که متشکل بود از ۳ بازوی دو نفره (حامیان دولت و ایثارگان و جبهه پیروان خط امام و رهبری) و هیئت ۵ نفره‌ی حکمیت.

انتخابات دراسفند ۸۶ با مشارکت ۵۱ درصدی مردم برگزار شد و فراکسیون اصولگرایان بر اکثریت کرسی‌های مجلس تکیه زدند و لاریجانی هم به عنوان رئیس مجلس برگزیده شد. در این دوره فراکسیون اصولگرایان مستقل به مجلس راه پیدا نکردند و چهره‌هایی مانند حسن سبحانی با سابقه‌ی سه دوره حضور در مجلس و کمترین غیبت و تأخیر و بیشترین پیشنهاد و طرح، به دلیل جبهه‌بندی «جبهه‌ی متحد اصول گرایان» حذف شدند.

اصول‌گرایان در این دوره عموما به چهره‌ی سنتی دهه‌ی ۶۰ خود بازگشتند. می‌توان گفت این مجلس ترکیبی از مجالس چهارم، پنجم و هفتم بود که از نظر قشر متوسط رو به بالا بودن و رابطه‌ی قدرت و ثروت تفاوت چندانی با مجالس ششم و هفتم نداشت.

استیضاح خبرساز کردان، طرح دانشجوی پولی، حقوق مادام‌العمر نمایندگان، نداشتن عملکرد شفاف در بحبوحه‌ی فتنه ۸۸، بالا گرفتن اختلاف در بعضی موارد با دولت و تذکره‌های رهبری، کش و قوس فراوان بر سر طرح نظارت نمایندگان بر خود، امضای نامه از سوی ۲۲۰ نفر از نمایندگان در حمایت از جاسبی بر سر قضیه‌ی دانشگاه آزاد از مواردی است که مجلس هشتم در کارنامه دارد. طرح سؤال از رئیس جمهور هم بالاخره پس از سر و صداهای فراوان و تهدید به استعفای علی مطهری وصول شد. شاید بتوان مهم‌ترین طرح‌های تصویبی این مجلس را تحکیم سهمیه‌بندی بنزین و تصویب طرح هدفمندی یارانه‌ها دانست.

میتوان مجلس هشتم را بعد از مجلس ششم جزو پرحاشیه‌ترین و کم‌کارترین مجالس پس از انقلاب دانست.

در ایام فتنه‌ی ۸۸ گروهی از نمایندگان که عموما به جریان رحیم مشایی و عملکرد مجلسیان در فتنه اعتراض داشتند، فراکسیونی را با نام انقلاب اسلامی تشکیل دادند که در آستانه‌ی انتخابات نهم مجلس شورای اسلامی با عنوان جبهه‌ی پایداری وارد صحنه‌ی انتخابات شدند.

طیرشا صالحی

چه بخواهیم ببذیریم و چه بخواهیم انکار کنیم دیگر افرادی که در جامعه‌ی ما به اصلاح‌طلب شناخته می‌شوند، در بین توده‌ی مردم جایگاهی ندارند. شاید روزگاری شعارهای به ظاهر مدرن اصلاحات مردم را به خود جلب می‌کرد، ولی این حنا دیگر رنگی ندارد! اگر نخواهیم خود را به خواب بزیم و کمی هم عقل خود را به کار اندازیم، به راحتی به چرایی این اتفاق پی می‌بریم! در دوران اصلاحات روز به روز از ارزش‌ها فاصله می‌گرفتیم، انقلابی‌گری جای خود را به محافظه‌کاری داده بود، دشمن با وقاحت تمام شرط مذاکره می‌گذاشت، برای نگه داشتن ۲۰ سانتریفوژ تحقیقاتی در دانشگاه باید از خاویر سولانا اجازه می‌گرفتیم! معاون وزیر امور خارجه به کاخ سفید قول خلع سلاح حزب‌الله لبنان را می‌داد! و ادامه‌ی این جریان هم در سال ۸۸ رأی مردم را برنمی‌تابد و آن فضاحت را در روز عاشورا به بار می‌آورد و یک سال مردم را به زحمت می‌اندازد و زندگی‌شان را مختل می‌کند! دیگر مردم با چه انگیزه‌ای باید به افرادی با این تابلو اعتماد کننددر حالی که دیدند در سال ۸۴ که تفکری انقلابی و اسلامی روی کار آمد ورق کاملاً برگشت. هیمنه‌ی پوشالی دشمن فروریخت، با استقامت بر مواضع اصولی و انقلابی نه تنها هسته‌ای شدیم که کار به جایی رسید که پس از نصب صفحات سوخت راکتور، دبیر شورای عالی امنیت ملی‌مان به اروپایی‌ها نامه می‌نویسد و از آمادگی ایران برای مذاکره می‌گوید، اما به شرط مد نظر قرار گرفتن منافع ایران و غربی‌ها باید حسرت دورانی را بخورند که خود شرط می‌گذاشتند! حزب‌الله، صهیونیست‌ها را به خاک سیاه نشانده است، منطقه را موج بیداری اسلامی انسانی فراگرفته است، بیداری عظیم ملت‌ها مرزها را شکسته و به وال‌استریترسیده است و مردم این تغییرات را با چشم خود می‌بینند و لمس می‌کنند. حال چرا باید به گذشته‌ی تلخ بازگردند و به افرادی که امتحان خود را پس داده‌اند، اعتماد کنند؟!

اما با این وجود دشمن بی‌کار نمی‌نشیند. آخرین تیرهای ترکش خود را هم باید بزند. تهدیدهای به اصطلاح فلج‌کننده، فشارهای دیپلماتیک و سیاسی و … همه و همه برای آن که اعتماد مردم به نظام از بین برود و در دستگاه‌های تبلیغاتی خود بگویند: «مردم ایران به نظام اطمینان ندارند و در انتخابات شرکت نمی‌کنند». دشمن تمام تلاش خود را می‌کند تا انتخابات اسفند ماه را فرمایشی نشان دهد تا انتخاباتی با مشارکت حداقلی ایجاد کند و از این طریق مقبولیت

# جنبش سبز مُرد؛ اصلاحات را دریابید!

شعار سبز

مشارکت در تهران نسبت به دور قبل و ۱۳درصدی کل کشور بود. و این آمار به خوبی نشان می‌دهد که توده‌های مردم منتظر درخواست و حضور خاتمی و جریان متبوعش در انتخابات نیستند و با این تصورات کوتاه‌نظرانه نمی‌توان از نظام باج گرفت.

خاتمی در انتخابات شرکت کرد، چون به خوبی یادش بود در مجلس هشتم که یکی از لیست‌های اصلاح‌طلبان که با عنوان «یاران خاتمی» در تهران توزیع شد، میزان مشارکت مردمی به حدود ۳۰ درصد رسید، اما در انتخابات مجلس نهم بدون حضور همفکرانش، این رقم بیش از ۱۵ درصد افزایش یافت. خاتمی در انتخابات شرکت کرد تا کورسوی امیدی برای توجه نظام و مردم داشته باشد.

دنیا دید حماسه‌ی شکوهمند ۱۲ اسفند ۹۰ را. مردم آمدند و اهمیتی به تهدید و تحریم‌های داخلی و خارجی ندادند. مشارکت بالای ۶۰درصدی سیلی محکمی بود که نواخته شد و سرخی‌اش ماند به صورت هم محمد خاتمی در انتخابات مجلس نهم شرکت کرد و موج جدیدی از اختلاف و تنش را در اردوگاه فتنه رقم زد، به حدی که فخرالسادات محتشمی‌پور (همسر تاج‌زاده) آن قدر عصبانی می‌شود که می‌گوید از دیدن عکس خاتمی هم آزرده می‌شوم! اما چرا خاتمی با وجود این اتفاق پای صندوق رأی آمد؟ تاریخ ۳۳ساله‌ی جمهوری اسلامی نشان داده است که مردم از جریانات و افرادی که از خطوط قرمز اعتقادی و قانونی عبور کنند، روی برمی‌گردانند که شاید بتوان به نمونه‌هایی مانند ابوالحسن بنی‌صدر، منافقین، حزب خلق مسلمان، نهضت آزادی و … اشاره کرد. شاید ترس از تکرار عاقبت نهضت آزادی برای جریان اصلاحات، دغدغه‌ی اصلی این روزهای امثال خاتمی و موسوی خوئینی‌ها باشد که حاضر می‌شوند برای جلوگیری

از تکرار آن، همه‌ی فحاشی‌ها و طعنه‌های دوستان قدیم و جدید را نیز تحمل کنند. جریان داخلی فتنه به دنبال احیای جریان اصلاحات به عنوان یک جریان داخل نظام بود و فکر بازگشت به قدرت را برای ادامه‌ی حیات سیاسی خود برای تکرار نشدن مدل نهضت آزادی در سر داشت و می‌خواست نشان دهد نظام آن چنان که ادعا می‌کند اهل پایداری بر اصول نیست و گاهی امتیازهایی اساسی هم می‌دهد. جریان فتنه تصور می‌کرد که نظام برای جلب مشارکت بخشی از مردم که خاتمی می‌خواست نشان دهد

نماینده‌ی آن‌هاست، مجبور به تسلیم و دادن امتیاز به جریان فتنه می‌شود تا با بحران مشروعیت مواجه نشود و بتواند هم وجه الهام‌بخشی خود برای کشورهای متأثر از بیداری اسلامی را حفظ کند و هم بتواند پی‌گیر

سیاست‌های داخلی و خارجی خود باشد. با این حال، آن چه در عمل اتفاق افتاد افزایش ۱۵درصدی میزان

شعار سبز

# ورود ممنوع سینمای!

روایتی از یک داستان تکراری

تیرشایر صالحی

تیرشایر صالحی

تیرشایر صالحی

تیرشایر صالحی

تیرشایر صالحی

هنوز چیزی از اکران نوروزی فیلم قلابه‌های طلا نگذشته بود که رسانه‌های غربی و صفحات فیس بوک موجی از تحریم فیلم قلابه‌های طلا را آغاز کردند و گروهی هم پیش از این تمام تلاش خود را کرده بودند که این فیلم اکران نشود. برخی علت آن را روایات غیرواقعی فیلم، برخی وجود یک نگاه جانب دارانه و عده‌ای روایت ناقص از قضایای سال ۸۸ معرفی می‌کردند و گروهی صرفا با استفاده از الفاظ نامناسب و یا جملات تند، دیدن این فیلم را مساوی با زیر پا گذاشتن حقوق مردم می‌دانستند. حال باید دید به راستی چقدر این ادعاها صحت دارد.

ادعای اول مبنی بر نمایش غیر واقعیات را می‌توان رد کرد؛ چنان‌که کارگردان فیلم در مصاحبه با مشرق اذعان می‌دارد که هدفش از ساخت این فیلم، جلوگیری از تحریف تاریخ بوده و تمام تلاش خود را برای ارائه‌ی روایت مستندگونه از حوادث آن سال، به کارگرفته است؛ به گونه‌ای که حتی دقت کرده که رنگ پراید جلوی پایگاه بسیج با فیلم‌های گرفته شده از حادثه‌ی واقعی یکسان باشد. با دیدن فیلم می‌توان فهمید که به راستی تمامی صحنه‌ها و رخداد‌های فیلم به جز قسمت داستانی، که برای شاکله دادن به فیلم مطرح می‌گردد، دارای مستندات ثبت و یا حفظ شده در اذهان مردم است. این ادعاها در حالی مطرح شده است که به هیچ بخشی از فیلم به عنوان مدرکی برای آن ذکر نشده است. پس یک جمله‌ی اخباری بدون ارجاع نمی‌تواند دلیل محکمی بر صحت سخن باشد.

در باب علت دوم هم می‌توان گفت نگاه خارج از گود و بدون جبهه‌گیری کارگردان در بیان واقعیات، مثل نمایش تصویر هوایی از تظاهرات سکوت ۲۵ خرداد و باغیرت خواندن کسانی که در این راهپیمایی شرکت کرده‌اند، صحنه‌های مربوط به پایگاه بسیج<sup>۲</sup> و تزلزل موجود در نیروهای وزارت اطلاعات و یا انتظامی در تمام فیلم مشهود است. بعلاوه این فیلم به راحتی از اشخاص نام می‌برد و یا گاهی سخنان مقامات و یا فیلم‌های آنان را پخش می‌کند که علاوه بر دقیق‌تر کردن این تاریخ گویا، گام تازه‌ای در سینمای سیاسی برداشته است.

دلیل سوم مطرح شده از طرف مخالفین فیلم صحت

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز



شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

شعار سبز

به سوی قدس انجام دهند. مهم‌ترین هدف کاروان ارتقای موضوع بیت‌المقدس در سطح بین‌المللی و نیز افزایش آگاهی عمومی نسبت به آن است؛ در واقع مقصود، برداشتن گام اولی برای آزادی قدس شریف است.

سایت رسمی «کاروان جهانی الی بیت‌المقدس» می‌نویسد: «امسال هدف ما تبدیل روز ۳۰ مارس به یک رویداد بین‌المللی، نشان دادن همبستگی خود با مردم مظلوم فلسطین و حمایت از بیت‌المقدس است. تلاش می‌کنیم تا با سازماندهی یک راهپیمایی بزرگ خود را به بیت‌المقدس و یا نزدیک‌ترین نقطه به آن برسانیم.

هیچ کس انتظار ندارد که همه‌ی شرکت کنندگان، در اولین تلاش به بیت‌المقدس برسند. حقوق فلسطینی‌ها نیز یک روز پس از این راهپیمایی به یک باره به رسمیت شناخته نخواهد شد؛ اما این امید هست که این راهپیمایی موجب تغییری بزرگ به سوی درخواست مردمی برای احیا حقوق بشر برای همه‌ی فلسطینی‌ها شود.»

کاروان الی بیت مقدس از آزادی‌خواهان همه‌ی جهان تشکیل شد. نمایندگانی از بیش از ۶۰ کشور دنیا و از ادیان و مذاهب گوناگون که وجه مشترکشان «ضدصهیونیستی» بودن آن‌هاست، در کاروانی با نام «کاروان جهانی به سوی قدس» برای برگزاری تظاهراتی در مرزهای فلسطین گردهم آمدند. اعضای کاروان در ۳۰ مارس۲۰۱۲ از سه مسیر زمینی و یک مسیر هوایی (سه شاخه‌ی اروپایی، آفریقایی و آسیایی و نمایندگان از آمریکا و اقیانوسیه) وارد اردن شدند.

علت انتخاب اردن به عنوان محل تجمع همه‌ی فعالان، منطقه‌ای در مرز اردن است که از آن‌جا می‌توان برق قبهٔ الصخره و مسجدالاقصی را دید.

شاخه‌ی آسیایی این حرکت که متشکل از فعالان کشورهای اندونزی، مالزی، هندوستان، پاکستان، نپال، سرلانکا، افغانستان، ایران، آذربایجان، ترکیه، عراق و بحرین است نیز حرکت زمینی خود را از ۱۹ اسفند و از کنار مقبره‌ی گاندی در دهلی‌نو آغاز کرد. این کاروان بعد از عبور از چند شهر، با استقبال مردم پاکستان وارد شهر کراچی شد. سپس با عبور از لاهور پاکستان، در ۲۵ اسفند ماه از مرز میرجاوه وارد ایران شد.

**کاروان در ایران**

- پس از استقبال مردم زاهدان، کرمان و قم از کاروان و برگزاری برنامه‌ها و همایش‌هایی در این شهرها، در ادامه مسیر با استقبال جمعی از دانشجویان و اقشار مختلف مردم، این کاروان در حرم امام خمینی(ره) وارد تهران شد. دیدارهایی با رئیس مجلس شورای اسلامی، دکتر ولایتی مشاور مقام معظم رهبری در امور بین الملل و دکتر احمدی نژاد از دیگر برنامه‌های آنان در ایران بود.

-اعضای این کاروان پس از حضور در تبریز و شرکت در مراسم ویژه استقبال، این شهر را به مقصد ترکیه ترک کرد.

**کاروان در ترکیه**

- ۵ روز حضور شاخه آسیایی کاروان جهانی «الی بیت‌المقدس» در ترکیه حاشیه‌های جالبی به همراه داشت که ترس پلیس ترکیه از عزم کاروانیان و بسته‌شدن سربندهای «یا قدس انا قادمون» بر سر هندی‌ها و اندونزیایی‌ها از جمله آنهاست. پس از حضور تاریخی و خیرساز در قونیه، کاروان به لبنان سفر کرد.<sup>۲</sup>

**کاروان در لبنان**

- ۳ روز حضور کاروان جهانی «الی بیت‌المقدس» در لبنان با حاشیه‌هایی چون حضور ۳۶ ساعته اعضای کاروان بر روی کشتی و ادای احترام کاروان به شهید عماد مغنیه همراه بود.<sup>۳</sup>



**یک روز قبل از راهپیمایی ۳۰ مارس**

- رژیم اشغالگر برای مقابله با تظاهرات که در مناطق مرزی فلسطین برگزار می شود، همه نیروهای خود را به حالت آماده باش در آورده است. از سوی دیگر فعالان از قاره‌های اروپا، آسیا، و آفریقا همچنان در حال پیوستن به تظاهرات جهانی قدس هستند که طی هفته‌های اخیر شرکت کنندگان در آن از چند کشور آسیایی عبور کرده و به سوریه رسیده اند.<sup>۴</sup>

**روز موعود و برنامه‌های برگزار شده در سراسر جهان**

- همه گذرگاه‌های اصلی منتهی به شهر قدس بسته شد و فقط به زنان و مردان بالای ۵۰ سال اجازه داده شد که برای شرکت در نماز جمعه وارد قدس شوند. علاوه بر برنامه های کرانه‌ی باختری، قدس، باریکه غزه و مناطق ۱۹۴۸ از جمله تجمع و راه پیمایی‌ها به سمت مرزهای فلسطین؛ در اردن، لبنان، مصر، الجزائر، تونس، مالزی، هند، ایران، پاکستان و در اروپا انگلستان، ایتالیا، آلمان، اتریش، نروژ، هلند، سوئیس، ایرلند، اسپانیا، آمریکا، کانادا، استرالیا و بسیاری دیگر از کشورها تجمعات و راهپیمایی‌ها و همایش‌های گسترده به صورت هم‌زمان در ۳۰ و ۳۱ مارس برگزار شد.<sup>۵</sup>

- تظاهرات در بیش از ۶۰ شهر جهان علیه اشغالگران صهیونیست برگزار شده و تظاهرات در لبنان، اردن و مصر بسیار گسترده بوده است.<sup>۶</sup>

- در اردن ده‌ها هزار تن از حامیان فلسطین، پس از اقامه‌ی نماز جمعه با برگزاری راهپیمایی در منطقه مغطس (۲ کیلومتری شهر اریحا)، حمایت خود را از فلسطین و مقدسات آن اعلام کردند. علاوه بر شهروندان اردنی، اتباع سایر کشورها از جمله آمریکا، یونان، سوئیس، ایتالیا، اندونزی، هند، مالزی، آفریقای

جنوبی، الجزایر و مراکش نیز در این راهپیمایی حضور داشتند. ترتیبی داده شده بود که ساکنان سایر مناطق اردن نیز جهت مشارکت در راهپیمایی به این محل انتقال داده شوند. دستگاه اطلاعاتی و امنیتی اردن به شکل کاملاً مشهودی از نخستین ساعات بامداد در محل راهپیمایی حضور داشتند.<sup>۷</sup>

- در لبنان حرکت کاروان به سمت جنوب این کشور و مرز فلسطین اشغالی ساعت‌ها به طول انجامید و با ایست و بازرسی ارتش، کاروان به نماز نرسید. هر چند ارتش لبنان اجازه نزدیک شدن به مرز را نداد اما کاروان جهانی الی بیت‌المقدس، با پرچم‌هایش در بلندی‌های مشرف به مرز لبنان و فلسطین اشغالی عکس می‌انداخت.

- دریک راهپیمایی مشابه نیز که به صورت هم‌زمان در دانشگاه الازهر مصر برگزار شد، هزاران نفر از اساتید و طلاب الازهر و نمایندگان جریان‌های دینی و سیاسی مختلف در این دانشگاه گرد هم آمدند و مخالفت خود را با طرح‌های رژیم صهیونیستی در یهودی سازی قدس اعلام کردند. یکی از رهبران حرکت اخوان‌المسلمین نیز به نمایندگی از رهبر این جنبش طی سخنانی، قدس را مساله‌ی اصلی امت اسلامی عنوان کرد.<sup>۸</sup>

- تظاهرات در قدس و فلسطین منجر به درگیری شده است.<sup>۹</sup>

- رژیم صهیونیستی با استفاده از گازهای اشک آور، گلوله های پلاستیکی و ماشین‌های آب‌پاش این تظاهرات را سرکوب کرد که در اثر آن، یک نفر کشته، ۳۴۰ نفر زخمی و ده‌ها نفر نیز دستگیر و روانه‌ی زندان شدند.

- هزاران فلسطینی در مراسم تشییع پیکر شهید زقوت که عصر روز جمعه ۳۰ مارس در جریان راهپیمایی بین المللی قدس در شمال باریکه غزه به ضرب گلوله‌ی نظامیان صهیونیست به شهادت رسید، شرکت کردند و از سران جنبش‌های مقاومت خواستند تا انتقام خون این شهدا را از صهیونیست‌ها بگیرند.<sup>۱۰</sup>

**مرحله‌ی دوم کاروان**

سازمان‌دهندگان کاروان راهپیمایی جهانی به سوی قدس اعلام کردند که ۱۵می یا همان یوم‌النکبه (سالروز فاجعه‌ی اشغال فلسطین) مرحله‌ی دوم اعزام کاروان خواهد بود.

**پی‌نوشت‌ها:**

۱. پل لارودی، از بنیانگذاران جنبش فلسطین آزاد

۲. خبرگزاری فارس

۳. همان

۴. پایگاه اطلاع‌رسانی شبکه العالم

۵. شبکه‌ی العالم در قدس

۶. شبکه‌ی تلویزیونی سی‌ان‌ان

۷. خبرگزاری فارس

۸. رجانویز

۹. سی‌ان‌ان

۱۰. سایت اتحادیه‌ی بین‌المللی امت واحده

امروز، ماه‌هاست که از جرقه‌های اولیه‌ی بیداری اسلامی می‌گذرد و امواج این بیداری اکنون تمام منطقه و بلکه تمام جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است. آن‌چه در این مقاله قصد بیان آن را دارم، تحلیل مختصری است از وقایع گذشته و مهم‌تر از آن نکاتی در مورد آینده.

خاطرم هست آن اوایل که این جریان از تونس شروع شد، یک بحثی که خیلی باب شده بود این بود که ماهیت این حرکت‌ها چیست؟ آیا این انقلاب‌ها اسلامی است یا خیر؟ آیا جمهوری اسلامی این‌ها را بوجود آورده است یا خیر؟ الگوی این انقلاب‌ها ایران است یا خیر؟ و سؤالات دیگر. یک نکته‌ی جالب در این میان، تلاش غربی‌ها بود برای غیر اسلامی جلوه دادن این انقلاب‌ها و بعضی‌هم در داخل هم‌راهی معناداری با آن‌ها می‌کردند. کلا یک طیف درون کشورمان داریم که هر وقت بخواهی ببینی این‌ها راجع به مسائل چطور فکر می‌کنند و چطور وقایع را تحلیل می‌کنند کافی است ببینی آن‌ور آبی‌ها چه می‌گویند، این‌ها هم همین را خواهند گفت! نه این‌که این‌ها نشسته‌اند ببینند آن‌ها چه می‌گویند و بعد هم همان را بگویند، بلکه اساساً دست روزگار این‌ها را شبیه آن‌ها کرده است که چگونه و چطورش بماند. حالا باید برای این جماعت به اصطلاح روشن‌فکر کلی دلیل بیاوری که این کشورهایی که مردم‌شان مسلمانند و قرار و مدارشان را با نماز جمعه تنظیم می‌کنند، انقلاب‌شان اسلامی است. کار دنیا بر عکس شده است.

از دیگر مسائلی که پیرامون این انقلاب‌ها مطرح شد این بود که برخی اصرار داشتند بگویند که این انقلاب‌ها تنها تحت تأثیر انقلاب ۵۷ ما رخ داده‌اند و بعد هم لابد قرار است نسخه‌ی کپی جمهوری اسلامی آن‌جا حاکم شود که اینان هم دیگر از آن سمت بام افتاده بودند. چون‌که رویدادهایی با این عظمت اساساً نمی‌توانند تنها یک دلیل و یک ریشه داشته باشند و البته برخی دلایل پرِ برخی دیگر می‌چربد و غلبه دارد نظیر انقلاب ما. قطعاً انقلاب ۵۷ در ایران و بعد هم گفتمان نو و بی‌سابقه‌ی جمهوری اسلامی دنیا را تکان داده است و خصوصاً برای کشورهای اسلامی یک نمونه‌ای است که به آن می‌نگرند و از آن می‌آموزند. قرار هم نیست مدلی که در ایران پیاده شده است آن‌جا هم تمام و کمال تحقق یابد و مثلاً آن‌جا هم ولیّ فقیه داشته باشند

# پیچ‌تاریخ

**نوشتاری تحلیلی پیرامون اوضاع منطقه و جهان پس از بیداری**

## الراهیم حیدلویا

بلکه با توجه به ظرفیت‌هایی که در هر کشوری موجود است و شرایط بومی آن منطقه، حکومتی برخاسته از مردم تشکیل خواهد شد که جهت‌گیری‌ها و تمایلات آن حکومت، اسلامی خواهد بود. بیش از ۳۰ سال پیش در ایران حرکتی آغاز شد برای اسلام‌خواهی و اکنون همان جریان با شکل و شمایی متفاوت در کشورهای منطقه ظهور و بروز یافته است. طبیعی است که ایران را پیش‌قراول این قافله بدانیم.

البته ما انتظار نداریم روشن‌فکرهایی که توان درک انقلاب ایران و گفتمان جمهوری اسلامی را ندارند و اکنون از شرایط داخل کشور ناراضی هستند و می‌خواهند سر به تن نظام نباشد، بیایند و بگویند که بله این انقلاب‌های منطقه از ایران اثر گرفته‌اند، قطعاً نخواهند گفت و ما هم این‌چنین انتظاری نداریم. بگذار هرچه می‌خواهند بگویند. اصلاً بگذار غائله‌ی ۲۵ بهمن سال ۸۹ را به راه بیاندارند. غائله‌ای که ۳ روز پس از تظاهرات میلیونی ۲۲ بهمن به بهانه‌ی حمایت از مردم مصر و تونس ترتیب داده شده بود و البته با چراغ سبز مقامات ارشد آمریکایی و با اجرای آن طیف داخلی که پیش‌تر وصف‌شان رفت. هدف هم این بود که اوضاع ایران و حکومت ایران را با کشورهای در حال انقلاب شبیه‌سازی کنند و چه هدف مضحکی. این‌ها آخرین تیرهای ترکش استکبار است و همگی در تاریکی رها می‌شوند، آری سحر نزدیک است…

از نکات جالب این ماه‌ها این بود که آن‌هایی که تا

همین دیروز هم‌پیاله‌ی حاکمان سقوط کرده بودند، اکنون خود را درکنار مردم قیام کرده قرار می‌دادند. انگار نه انگار که تا همین دیروز از آنان حمایت می‌کردند و هم‌پیمان آنان بودند و حالا شده‌اند طرف‌دار مردم. آن جایی هم که پای منافع‌شان در میان باشد دیگر همه چیز قربانی می‌شود. برای سوریه کنفرانس بین‌المللی می‌گیرند و نماینده‌ی ویژه می‌فرستند و کمک می‌کنند تا نظام ضدّ اسرائیلی سوریه سقوط کند و از آن طرف بحرینی‌ها زیر دست جلّادان‌شان قطعه قطعه بشوند ایرادی ندارد. عرض کردم دنیا بر عکس شده است دیگر.

آن‌چه از همه‌ی این حرف‌ها مهم‌تر است آینده‌ی این تحوّلات است. آن‌چه به نظر می‌رسد این است که تحولاتی که در کشورهای اسلامی آغاز شده

